

The Impact of Management Ability on Accounting Conservatism Considering the Moderating Role of Institutional Shareholders and Board Independence

Maryam Erfan Esfanjani

M.Sc, Department of Accounting, Seraj Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

maryam.erfan.1400@gmail.com

Akbar Valizadeh Oghani (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Management and Accounting, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran.

akbar.valizadeh@iau.ac.ir

Amir Ata Alizadeh

M.Sc, Department of Accounting, Seraj Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

amirata622@gmail.com

Objective: The aim of this research is to examine the impact of managerial ability on accounting conservatism, considering the moderating role of institutional shareholders and board independence.

Methodology: This study is applied in nature and employs descriptive-correlational, causal-retrospective research methods with a quantitative approach. The data used in this study are financial information from 133 companies listed on the Tehran Stock Exchange, covering the period from 2018 to 2022, totaling 665 observations. To test the hypotheses, multiple regression analysis was conducted using panel data and generalized least squares.

Findings: The findings of the study reveal that managerial ability has an inverse relationship with accounting conservatism. In other words, more capable managers are less likely to adopt conservative accounting practices. Furthermore, institutional shareholders play a positive moderating role, with their oversight leading to an increase in the level of accounting conservatism. In contrast, board independence has a negative moderating effect, preventing excessive conservatism in companies with capable managers and promoting transparency in financial reporting.

Conclusion: Capable managers tend to rely less on conservative accounting practices due to their access to more accurate information and smarter forecasting. Meanwhile, governance structure plays a crucial role; institutional shareholders' oversight helps maintain an optimal level of conservatism, while board independence provides managers with greater flexibility in their financial decision-making.

Keywords: Managerial Ability, Accounting Conservatism, Institutional shareholders, Board Independence.

تأثیر توانایی مدیریت بر محافظه کاری حسابداری با در نظر گرفتن نقش تعدیلی سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره

مریم عرفان اسفنجانی

کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی سراج، تبریز، ایران.

maryam.erfan.1400@gamil.com

اکبر ولی زاده اوغانی* (نویسنده مسئول)

akbar.valizadeh@iau.ac.ir

استادیار، گروه مدیریت و حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران.

امیر عطا علی زاده

کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی سراج، تبریز، ایران.

amirata622@gmail.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر محافظه کاری حسابداری با در نظر گرفتن نقش تعدیلی سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره است.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی، علی-پس‌رویدادی و با ماهیت کمی می‌باشد. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش مربوط به اطلاعات مالی ۱۳۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ است که شامل ۶۶۵ مشاهده می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها، از روش رگرسیون چندگانه با به کارگیری داده‌های ترکیبی و مبتنی بر حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت بر محافظه کاری حسابداری تأثیر معکوس دارد؛ بدین معنا که مدیران توانمند تمایل کمتری به استفاده از رویه‌های محافظه کارانه دارند. علاوه بر این، سهامداران نهادی نقش تعدیلی مثبت ایفا می‌کنند و نظارت آن‌ها باعث افزایش سطح محافظه کاری حسابداری می‌شود. در مقابل، استقلال هیئت مدیره تأثیر تعدیلی معکوس دارد و در شرکت‌های با مدیران توانمند، از اعمال محافظه کاری بیش از حد جلوگیری کرده و به شفافیت گزارشگری مالی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری: مدیران توانمند به دلیل دسترسی به اطلاعات دقیق‌تر و پیش‌بینی‌های هوشمندانه‌تر، کمتر از روش‌های محافظه کارانه در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند. در عین حال، ساختار حاکمیتی نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ نظارت سهامداران نهادی باعث حفظ سطح مطلوبی از محافظه کاری می‌شود، در حالی که استقلال هیئت مدیره به مدیران اجازه می‌دهد تا در تصمیمات مالی خود انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: توانایی مدیریت، محافظه کاری حسابداری، سهامداران نهادی، استقلال هیئت مدیره.

۱. مقدمه

محافظه‌کاری حسابداری، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین گزارشگری مالی، نقشی اساسی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت ریسک در سازمان‌ها ایفا می‌کند. این اصل بر شناسایی به‌موقع و سریع‌تر زیان‌ها در مقایسه با سودها تأکید دارد و در نتیجه، به ارتقای شفافیت اطلاعات مالی کمک می‌کند. علاوه بر این، سطح توانایی مدیریت در میزان اعمال محافظه‌کاری حسابداری تأثیرگذار است، زیرا مدیران با سطوح توانایی متفاوت، رویکردهای گوناگونی را در تدوین و ارائه گزارش‌های مالی اتخاذ می‌کنند. به‌طور خاص، پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که مدیران با توانایی بالاتر، تمایل کمتری به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه دارند؛ چراکه این گروه از مدیران با بهره‌گیری از مهارت‌های مدیریتی خود قادرند میزان عدم‌اطمینان را کاهش داده و نیاز به اتخاذ سیاست‌های محتاطانه را به حداقل برسانند (کیم و همکاران^۱، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، توانایی مدیریت نقش مهمی در بهبود کیفیت اطلاعات مالی ایفا می‌کند و می‌تواند از طریق اتخاذ تصمیمات آگاهانه و مسئولانه، تأثیر قابل‌توجهی بر میزان محافظه‌کاری حسابداری داشته باشد. از این منظر، مدیرانی که دارای توانایی‌های مدیریتی بالاتری هستند، با اعمال سیاست‌های حسابداری محتاطانه، از ارائه اطلاعات مالی شفاف و قابل‌اتکا اطمینان حاصل می‌کنند. افزون بر این، پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که این توانایی‌ها می‌توانند موجب کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران شده و در نتیجه، سطح اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات مالی منتشرشده را افزایش دهند. بنابراین، مدیریت کارآمد می‌تواند به‌عنوان عاملی کلیدی در تقویت محافظه‌کاری حسابداری و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی تلقی شود (حیدر و همکاران^۲، ۲۰۲۱).

با این حال، نقش تعدیلی عوامل حاکمیت شرکتی، ازجمله سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره، در این زمینه همچنان به‌صورت جامع و دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. سهامداران نهادی، به‌عنوان سرمایه‌گذارانی حرفه‌ای که دارای دانش و تخصص مالی هستند، می‌توانند از طریق ایفای نقش نظارتی فعال و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های کلیدی، تأثیر قابل‌توجهی بر سیاست‌های گزارشگری مالی شرکت‌ها داشته باشند. این گروه از سهامداران، با اعمال فشار بر مدیریت و تأکید بر شفافیت مالی، قادرند مدیران را به اتخاذ رویکردهای محتاطانه‌تر در گزارشگری مالی و افزایش سطح محافظه‌کاری در ارائه اطلاعات مالی ترغیب کنند. افزون بر این، استقلال هیئت مدیره نیز می‌تواند به‌عنوان عاملی مکمل، نقش بسزایی در تقویت نظارت و کاهش تضاد منافع ایفا کند. بنابراین، بررسی جامع این ابعاد می‌تواند به درک بهتری از سازوکارهای حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی منجر شود (زاده و همکاران^۳، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، استقلال هیئت مدیره از جنبه‌های کلیدی حاکمیت شرکتی محسوب می‌شود که می‌تواند تأثیر بسزایی در ارتقای شفافیت مالی و کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران داشته باشد. هیئت مدیره مستقل، با نظارت مؤثر بر عملکرد مدیران اجرایی، زمینه‌ساز افزایش مسئولیت‌پذیری و رعایت اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های سازمانی می‌شود. این امر نه‌تنها موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌گردد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان را نیز تقویت می‌کند. در نتیجه، ساختار مدیریتی سازمان‌ها با استقرار مکانیزم‌های نظارتی کارآمد، می‌تواند کارایی اطلاعات مالی را افزایش داده و از ایجاد انحرافات احتمالی در ارائه اطلاعات مالی جلوگیری کند (نگوین و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

1. Kim et al.
2. Haider et al.
3. Zadeh et al.
4. Nguyen et al.

مطالعه حاضر از دو جهت اهمیت ویژه‌ای دارد. اول، این پژوهش با بررسی نقش توانایی مدیریت در محافظه‌کاری حسابداری، شکاف‌های موجود در ادبیات پژوهش را شناسایی و پوشش می‌دهد. در این زمینه، پژوهش‌های گذشته عمدتاً بر تأثیر توانایی مدیریت بر عملکرد مالی تمرکز کرده‌اند و مطالعات محدودی به بررسی اثر این توانایی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری پرداخته‌اند. این امر موجب می‌شود که مطالعه حاضر به‌ویژه در خصوص این ابعاد، حائز اهمیت باشد. دوم، این پژوهش با تحلیل تأثیر تعدیلی سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره، بینشی جامع‌تر از نحوه تعامل عوامل داخلی شرکت در تعیین سطح محافظه‌کاری حسابداری ارائه می‌دهد. این بینش به‌ویژه برای سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی مهم است، زیرا به آن‌ها کمک می‌کند تا راهبردهای مؤثری را برای بهبود شفافیت و کیفیت اطلاعات مالی تدوین کنند. بررسی این عوامل به‌طور هم‌زمان به تقویت درک سیاست‌گذاران از نحوه عملکرد سیستم‌های گزارشگری مالی کمک می‌کند و می‌تواند به تنظیم بهتر قوانین و مقررات در جهت ارتقاء شفافیت و دقت در ارائه اطلاعات مالی بیانجامد. از این رو، این پژوهش نه تنها در حوزه تئوری بلکه در عمل نیز تأثیرگذار است و می‌تواند راهکارهای نوینی برای بهبود فرآیندهای حسابداری و گزارشگری مالی فراهم آورد. از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری با در نظر گرفتن نقش تعدیلی سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره است. سوال اصلی پژوهش این است که آیا توانایی مدیریت بر سطح محافظه‌کاری حسابداری تأثیر دارد و آیا این رابطه تحت تأثیر سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره قرار می‌گیرد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. توانایی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری در حسابداری به‌عنوان یک رویکرد کلیدی در شناسایی نابرابری زمانی میان اخبار خوب و بد، نقشی بسیار مهم در گزارش‌دهی مالی ایفا می‌کند. این اصل بر لزوم شناسایی سریع و دقیق زیان‌ها در صورت‌های مالی تأکید دارد، در حالی که شناسایی سود نیازمند تأیید و اطمینان بیشتری است. محافظه‌کاری به‌عنوان پاسخی به عدم قطعیت‌ها و ابهام‌های موجود در محیط کسب‌وکار، به حسابداران و مدیران کمک می‌کند تا ریسک‌های مالی را کاهش داده و از صحت و اعتبار اطلاعات مالی خود اطمینان حاصل کنند. به‌طور خاص، این رویکرد در شرایط پیچیده و متغیر کسب‌وکار می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر نحوه عملکرد سازمان‌ها داشته باشد. علاوه بر این، توانمندی‌های مدیریتی نقش برجسته‌ای در تعیین میزان محافظه‌کاری دارند؛ مدیران با ویژگی‌های استراتژیک و توانایی‌های تصمیم‌گیری صحیح قادرند بر میزان این رویکرد تأثیر بگذارند و در شرایط دشوار کسب‌وکار، موفقیت و رشد سازمان‌ها را تضمین کنند. به‌طور کلی، محافظه‌کاری نه تنها ابزاری برای مقابله با ابهام‌هاست، بلکه ارتباط تنگاتنگی با کارایی مدیریتی و بهبود سودآوری سازمان‌ها دارد (گارسیا-مکا و گارسیا سانچز^۱، ۲۰۱۸؛ هاندوکو و فواد^۲، ۲۰۲۳).

مدیران توانا با ویژگی‌های منحصر به فرد خود نقش حیاتی در هدایت مؤثر فعالیت‌های روزانه شرکت ایفا می‌کنند. این توانمندی‌ها به‌ویژه در شرایط بحرانی و در مواجهه با چالش‌های اقتصادی به‌وضوح نمایان می‌شود. آن‌ها با اتخاذ تصمیمات معقول و متناسب با شرایط رقابتی و تهدیدهای موجود، قادرند نه تنها به بهبود وضعیت کنونی شرکت بپردازند، بلکه پیش‌بینی دقیقی از تقاضای محصولات در آینده نیز داشته باشند. آگاهی گسترده از فرآیندهای صنعت، مهارت‌های برجسته در رهبری تیم‌ها، شناخت دقیق نیازهای مشتریان و توان تحلیل شرایط کلان اقتصادی، از جمله

عواملی است که می‌تواند نتایج موفقیت‌آمیز یا شکست‌های جدی را برای سازمان رقم بزند. تصمیمات استراتژیک این مدیران در نهایت می‌تواند به ورشکستگی یا ایجاد ارزش‌های پایدار و بلندمدت برای سازمان منجر شود (کامیابی و جوادینیا، ۱۴۰۰).

باین‌حال، مدیران با توانمندی‌های بالا معمولاً رویکردی محافظه‌کارانه اتخاذ می‌کنند تا از پیامدهای منفی همچون از دست دادن شهرت یا فرصت‌های شغلی در آینده جلوگیری نمایند. با این حال، تصمیمات مدیریتی نه تنها به توانایی‌های فردی مدیران بستگی دارد، بلکه ویژگی‌های سازمانی نیز در آن تأثیرگذار است. در این راستا، سرمایه‌گذاران و دیگر ذینفعان باید عواملی مانند سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره را در ارزیابی توانمندی‌های مدیران در نظر بگیرند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که توانمندی بیشتر مدیران به افزایش سطح محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی منتهی می‌شود، اما این محافظه‌کاری در شرکت‌های بزرگ کمتر مشاهده می‌شود. مدیران توانمند به عنوان یکی از سرمایه‌های انسانی کلیدی سازمان، تأثیر فراوانی در بهره‌برداری از فرصت‌ها و تخصیص بهینه منابع دارند (مشایخی و حاجی عظیمی، ۱۳۹۵). علاوه بر این، در مواجهه با گزارش‌های محافظه‌کارانه، بسته به شرایط مختلف واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهند که هرکدام پیامدهای خاص خود را به همراه دارند. این مدیران ممکن است ابتدا از رویکرد شفاف و صادقانه استفاده کنند تا از خطرات قانونی و آسیب به شهرت خود جلوگیری نمایند، چرا که شهرت حرفه‌ای آنها به عملکرد موفق شرکت بستگی دارد. در مقابل، ممکن است از توانمندی‌های خود برای تحریف اطلاعات به نفع شرکت استفاده کنند، به‌ویژه هنگامی که هدف ایجاد تصویری مثبت از عملکرد شرکت در چشم سرمایه‌گذاران باشد. علاوه بر این، در برخی شرایط، مدیران ممکن است از افزایش سطح محافظه‌کاری حسابداری برای کاهش ریسک‌های مالی و بهبود شرایط قراردادهای بدهی بهره بگیرند. در نهایت، انتخاب رویکرد محافظه‌کاری باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که علاوه بر منافع شرکت، از مشکلات اخلاقی جلوگیری کرده و به نفع مدیریت و ذینفعان باشد (حیدر و همکاران، ۲۰۲۱).

پژوهش‌ها در این زمینه به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. برخی مطالعات حاکی از آن‌اند که مدیران توانمندتر به دلیل درک بهتر از ریسک‌های مالی و پیامدهای گزارشگری نادرست، رویکرد محافظه‌کارانه‌تری در گزارشگری مالی اتخاذ می‌کنند. این رویکرد می‌تواند به افزایش شفافیت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و جلوگیری از مشکلاتی مانند دعاوی حقوقی یا افت ارزش شرکت منجر شود. باین‌حال، میزان این تأثیر ممکن است تحت تأثیر عواملی مانند ساختار حاکمیتی، الزامات نظارتی و شرایط رقابتی شرکت‌ها قرار گیرد (هاندوکو و فواد، ۲۰۲۳). در مقابل، برخی دیگر بر این باورند که مدیران با توانایی بالا به دلیل توانایی بیشتر در پیش‌بینی و مدیریت عدم قطعیت‌های آینده، نیاز کمتری به رویکرد محافظه‌کارانه دارند. این مدیران ممکن است به دلیل اطمینان بیشتر به تحلیل‌های خود و توانایی در مدیریت ریسک‌ها، رویکردی کمتر محتاطانه اتخاذ کنند و به جای احتیاط، بر تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر اطلاعات دقیق‌تر و پیش‌بینی‌های هوشمندانه‌تر تکیه کنند. در این صورت، محافظه‌کاری کمتر به عنوان ابزاری برای مدیریت ریسک و عدم قطعیت در نظر گرفته می‌شود. (کیم و همکاران، ۲۰۲۱).

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین در زمینه رابطه توانایی مدیریت با محافظه‌کاری حسابداری، فرضیه نخست این پژوهش به شکل زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری تأثیر دارد.

۲-۲. سهامداران نهادی، توانایی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری

محافظه‌کاری حسابداری یک رویکرد محتاطانه است که با هدف کاهش احتمال گزارش اطلاعات اغراق‌آمیز، قابلیت اتکای گزارش‌های مالی را افزایش داده و از منافع سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان محافظت می‌کند. این رویکرد به‌ویژه در شرایط عدم اطمینان اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا از تصمیمات نادرست ناشی از خوش‌بینی غیرواقعی جلوگیری می‌کند و در عین حال به توانایی مدیریت کمک می‌کند تا استراتژی‌هایی بر اساس واقعیت‌های مالی و شرایط بازار اتخاذ نمایند (زاده و همکاران، ۲۰۲۲). از آنجا که محافظه‌کاری حسابداری به‌عنوان ابزاری مدیریتی مؤثر، با کاهش ریسک‌های مالی و افزایش شفافیت، تصمیم‌گیری‌های مالی را در شرایط بحرانی بهبود می‌بخشد. در بازارهایی که نهادهای سرمایه‌گذار خارجی فعال هستند، گزارشگری مالی محافظه‌کارانه ترجیح داده می‌شود، چراکه این نوع گزارشگری با کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی و افزایش شفافیت مالی، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. همچنین، این نوع گزارشگری موجب می‌شود که سود و ارزش دارایی‌ها کمتر از واقع برآورد شوند و اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کند. در نتیجه، ورود سرمایه‌های بین‌المللی به بازار تسهیل و پایداری آن تقویت می‌شود (خلیل و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که رابطه میان سهامداران نهادی و محافظه‌کاری حسابداری تنها به‌طور مستقیم و خطی نمی‌باشد، بلکه این ارتباط تحت تأثیر عوامل نظارتی و حاکمیتی قرار دارد. به عبارت دیگر، سهامداران نهادی با اعمال نظارت بیشتر بر مدیریت شرکت‌ها، قادرند تمایل به گزارشگری مالی محافظه‌کارانه را تقویت کنند. با این حال، میزان اثربخشی این نظارت به کیفیت ساختار حاکمیت شرکتی و توانایی مدیریت در پیاده‌سازی سیاست‌های نظارتی مؤثر وابسته است. در محیط‌هایی که سازوکارهای حاکمیتی با شفافیت و قوت بیشتری عمل می‌کنند، نهادهای مالکیتی می‌توانند نقش نظارتی خود را به‌طور مؤثرتر و کارآمدتری ایفا کنند. این امر به تقویت محافظه‌کاری حسابداری کمک می‌کند و می‌تواند از بروز ریسک‌های اطلاعاتی و مالی جلوگیری کرده و در نهایت منافع سهامداران را به‌خوبی حفظ نماید. بنابراین، ارتباط میان سهامداران نهادی و محافظه‌کاری حسابداری یک فرآیند پیچیده است که نیازمند در نظر گرفتن ابعاد مختلف حاکمیتی و نظارتی می‌باشد (مسلم و ستیانوان^۲، ۲۰۲۴).

در اینجا سهامداران نهادی به‌عنوان عاملی مؤثر در بهبود شفافیت مالی و کاهش ریسک اطلاعاتی نقش دارند، چراکه نهادهای مالکیتی با نظارت دقیق‌تر بر توانایی مدیریت در شناسایی و کاهش ریسک‌های مالی، به‌ویژه در شرایط ناپایدار اقتصادی، می‌توانند به‌طور مؤثری از بروز خطاهای مالی و خوش‌بینی غیرواقعی جلوگیری کنند. در این شرایط، سهامداران نهادی با تقویت محافظه‌کاری حسابداری، به‌طور مستقیم بر توانایی مدیریت در اتخاذ تصمیمات مالی مسئولانه و شفاف اثرگذار هستند. در مقابل، در شرکت‌های دولتی که حساسیت بیشتری به پاسخ‌گویی عمومی و الزامات نظارتی دارند، نهادهای مالکیتی تمایل بیشتری به اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه دارند. این تمایل باعث می‌شود که در این شرکت‌ها، محافظه‌کاری حسابداری به‌عنوان ابزاری برای کاهش نوسانات مالی و پیشگیری از چالش‌های ناشی از عدم اطمینان در بازار استفاده شود. در شرکت‌های خصوصی که سطح استقلال عملیاتی بیشتری دارند، ممکن است توانایی مدیریت در تمایل به گزارشگری مالی تهاجمی‌تر بیشتر باشد، زیرا مدیران انگیزه دارند تا سودآوری را بیشتر از واقع نشان دهند تا به بهینه‌سازی منافع سهامداران خصوصی بپردازند (آلوز^۳، ۲۰۲۱).

در این راستا، بر اساس برخی تحقیقات صورت گرفته، تأثیر مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری حسابداری به نوع خاص مالکیت بستگی دارد. مالکیت نهادی فعال، همچون صندوق‌های سرمایه‌گذاری، به واسطه انگیزه‌های نظارتی قوی و تمایل به مدیریت ریسک، نقش مهمی در تقویت محافظه‌کاری در فرآیندهای حسابداری ایفا می‌کند. این نهادها با دقت و نظارت بیشتر بر نحوه عملکرد مدیریت، از شناسایی سودهای خوش‌بینانه و گزارشگری مالی پرریسک جلوگیری می‌کنند و بنابراین از آشکارسازی اطلاعات نادرست یا ناپایدار جلوگیری به عمل می‌آید. در مقابل، مالکیت نهادی منفعل که عمدتاً بر حفظ سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و کاهش هزینه‌های معاملاتی تمرکز دارد، به دلیل نظارت کمتر و رویکرد کمتر مداخله‌گرانه، می‌تواند تأثیر کمتری در تقویت محافظه‌کاری حسابداری داشته باشد و احتمال کاهش دقت گزارشگری مالی را به همراه داشته باشد. بنابراین، تأثیر مالکیت نهادی بر محافظه‌کاری حسابداری، نه تنها تحت تأثیر حضور این نهادها، بلکه میزان فعال یا منفعل بودن آن‌ها در فرآیند نظارتی و مدیریتی نیز قرار دارد (مهرانی و همکاران، ۱۳۸۹).

یکی دیگر از پیامدهای جالب توجه رویکرد محافظه‌کاری مالی، کاهش هزینه‌های سرمایه در شرکت‌هایی است که در مدیریت منابع مالی خود به سطوح بالاتری از احتیاط پایبندند. این شرکت‌ها به دلیل برخورداری از توانمندی‌های مدیریتی در پیش‌بینی دقیق ریسک‌ها و کاهش نوسانات مالی، در چشم سرمایه‌گذاران به عنوان گزینه‌های امن و قابل اعتماد شناخته می‌شوند. به طور خاص، شرکت‌هایی که از رویکرد محافظه‌کاری حسابداری بهره می‌برند، با اتخاذ تدابیر دقیق‌تر در پیش‌بینی و مدیریت ریسک‌ها، قادر به کاهش ریسک‌های غیرمنتظره هستند. این امر موجب کاهش تمایل سرمایه‌گذاران به تقاضای نرخ بازدهی بالاتر می‌شود و در نتیجه، هزینه‌های سرمایه‌گذاری به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. در این شرایط، سهامداران نهادی با ایفای نقش نظارتی و کنترلی، علاوه بر کاهش ریسک‌های مالی، در تسهیل فرآیند جذب سرمایه با هزینه پایین‌تر و به‌ویژه در شرایط اقتصادی پرنوسان، نقشی مؤثر ایفا می‌کنند (شنگ-لی^۱، ۲۰۱۲).

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین در زمینه توانایی مدیریت، سهامداران نهادی، محافظه‌کاری حسابداری و ارتباط آن‌ها باهم؛ فرضیه دوم این پژوهش به شکل زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری با در نظر گرفتن نقش تعدیلی سهامداران نهادی تأثیر گذار است.

۲-۳. استقلال هیئت مدیره، توانایی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری

یکی از ارکان کلیدی در افزایش توانایی مدیریت و بهبود عملکرد سازمان‌ها، وجود هیئت مدیره‌های مستقل است که نقش بسیار مهمی در نظارت و ارزیابی صحیح تصمیمات سازمان‌ها ایفا می‌کنند. این هیئت‌ها که از منافع شخصی و روابط نزدیکی با مدیران اجرایی بی‌بهره هستند، قادر به ارائه نظرات بی‌طرفانه و انجام نظارت دقیق‌تر و جامع‌تری بر فرآیندهای مالی و اجرایی شرکت‌ها می‌باشند. استقلال هیئت مدیره‌های مستقل نه تنها موجب کاهش تضاد منافع میان مدیران اجرایی و سهامداران می‌شود، بلکه با فراهم آوردن شرایط برای اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه‌تر در گزارشگری مالی، شفافیت و صحت اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد. این ویژگی‌ها به نوبه خود زمینه‌ساز تقویت مسئولیت‌پذیری مدیران، کاهش خطرات ناشی از تصمیمات غیرمنطقی و ارتقای شفافیت در فرآیندهای حسابداری

می‌شود. در نتیجه، هیئت مدیره‌های مستقل در حفظ پایداری و بهبود اعتماد عمومی به سازمان‌ها نقشی حیاتی و بنیادین دارند (یونوس و همکاران^۱، ۲۰۱۲؛ سپتیاری و ساری^۲، ۲۰۱۹).

در کنار این مسئله، محافظه‌کاری حسابداری که به‌طور کلی به معنای ثبت محتاطانه‌تر درآمدها و تأخیر در شناسایی سود است، با افزایش استقلال هیئت مدیره ارتباط مستقیمی دارد. اعضای مستقل هیئت مدیره به دلیل عدم وابستگی به فشارهای داخلی و منافع مالی، قادرند تا از بروز خوش‌بینی‌های بی‌جا و غیرواقعی در گزارش‌های مالی جلوگیری کنند. این استقلال به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با رویکردی واقع‌گرایانه و محتاطانه، دارایی‌ها و تعهدات را به‌طور دقیق‌تری ارزیابی کرده و در نتیجه شفافیت و دقت گزارش‌های مالی را افزایش دهند. اتخاذ چنین رویکردی نه تنها به کاهش ریسک‌های مالی و قانونی برای شرکت‌ها کمک می‌کند، بلکه به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان این فرصت را می‌دهد که تصویر واضح‌تری از وضعیت مالی سازمان به دست آورده و بر مبنای آن تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند. در این راستا، استقلال هیئت مدیره به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای کیفیت گزارش‌دهی مالی و تضمین صحت اطلاعات مالی مطرح می‌شود (سپتیاری و ساری، ۲۰۱۹؛ المقطری و همکاران^۳، ۲۰۲۲).

در صنایع با ریسک‌های بالاتر، استقلال هیئت مدیره اهمیت بیشتری می‌یابد. این هیئت‌ها با اتخاذ تصمیمات محافظه‌کارانه‌تر و نظارت دقیق‌تر، از دستکاری‌های احتمالی در گزارش‌های مالی جلوگیری کرده و موجب مدیریت ریسک به روشی مؤثرتر می‌شوند. در این صنایع، توانایی مدیریت ریسک‌ها و اتخاذ سیاست‌های مالی محتاطانه، به حفظ پایداری مالی و کاهش خطرات بلندمدت کمک می‌کند (المقطری و همکاران، ۲۰۲۲). از این رو، استقلال هیئت مدیره نه تنها به بهبود شفافیت مالی کمک می‌کند بلکه از افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران نیز جلوگیری می‌کند و برای شرکت‌ها زمینه‌ای برای رشد پایدار فراهم می‌آورد. همچنین، در شرایطی که مدیرعامل‌ها دارای سهم زیادی از سهام هستند، ممکن است سطح محافظه‌کاری مالی کاهش یابد، چرا که این مدیران تمایل دارند گزارش‌های مالی را به‌گونه‌ای ارائه دهند که وضعیت مالی شرکت بهتر از آنچه که هست، به نظر برسد. در چنین شرایطی، استقلال هیئت مدیره می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر این نوع رفتارها عمل کند و به تقویت شفافیت مالی و محافظه‌کاری حسابداری کمک کند (آردیانی و همکاران^۴، ۲۰۲۳).

در نهایت، ارتباط مستقیم میان توانایی مدیریت، استقلال هیئت مدیره و محافظه‌کاری حسابداری در ارتقای سلامت مالی و مدیریت ریسک در شرکت‌ها، به‌وضوح قابل مشاهده است و در این زمینه نقش هر یک از این عوامل در بهبود عملکرد مالی سازمان‌ها اهمیت زیادی دارد. این ارتباط به‌ویژه در محیط‌هایی که با سطوح بالای فساد مالی روبرو هستند، از جایگاه خاصی برخوردار می‌شود. در چنین شرایطی، استقلال هیئت مدیره به‌عنوان عاملی حیاتی و تأثیرگذار در پیشگیری از دستکاری‌های غیرمجاز سود و ارتقای شفافیت مالی، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. هیئت مدیره‌ای که از استقلال کافی برخوردار باشد، قادر است تصمیمات بی‌طرفانه و غیرمستقل اتخاذ کند و نظارت دقیق و مؤثری بر فرآیندهای مالی شرکت‌ها اعمال نماید. این ویژگی‌ها موجب می‌شود که شرکت‌ها از طریق حمایت از رفتارهای محافظه‌کارانه در حسابداری، نه تنها وضعیت مالی خود را بهبود بخشند، بلکه در برابر ریسک‌های مالی و عملیاتی احتمالی نیز مقاوم‌تر گردند (نویل و همکاران^۵، ۲۰۱۹).

-
1. Yunos et al.
 2. Septiari & Sari
 3. Almaqtari et al.
 4. Ardiany et al.
 5. Neville et al.

همچنین، با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین در زمینه توانایی مدیریت، استقلال هیئت مدیره، محافظه‌کاری حسابداری و ارتباط آن‌ها باهم؛ فرضیه سوم این پژوهش به شکل زیر مطرح می‌شود:

فرضیه سوم: توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری با در نظر گرفتن نقش تعدیلی استقلال هیئت مدیره تأثیرگذار است.

۳. پیشینه پژوهش

مرادی شهدادی و سلمان‌زاده (۱۴۰۳)، در پژوهش خود نشان دادند که سهامداران نهادی تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. به این معنا که سرمایه‌گذاران نهادی با بهینه‌سازی بار مالیاتی، موجب افزایش سودآوری شرکت‌ها شده و در عین حال، از طریق نظارت دقیق‌تر، به شفافیت مالی و کاهش ریسک‌های گزارشگری کمک می‌کنند. این یافته‌ها بیانگر نقش کلیدی نهادهای سرمایه‌گذار در جهت‌دهی به سیاست‌های مالی و حسابداری و افزایش ثبات اقتصادی شرکت‌ها است.

ولی‌زاده اوغانی و عبدالرحیمی (۱۴۰۲)، به این نتیجه رسیدند که بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکت‌های خودروسازی ارتباط مستقیم وجود دارد، به این معنا که افزایش اقلام تعهدی غیرعادی می‌تواند به افزایش خطای پیش‌بینی سود منجر شود. علاوه بر این، نقش تعدیلی توانایی مدیریت نشان می‌دهد که مدیران با سطح بالاتر مهارت و تجربه می‌توانند این ارتباط را کنترل کرده و دقت پیش‌بینی سود را بهبود بخشند. این یافته‌ها بر اهمیت کیفیت مدیریت در کاهش عدم اطمینان اطلاعاتی و بهبود شفافیت مالی در صنعت خودروسازی تأکید دارد.

خواجوی و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهش خود دریافتند که توانایی مدیریت تأثیر مثبتی بر محافظه‌کاری حسابداری دارد و با افزایش توانمندی‌های مدیران، تمایل به محافظه‌کاری بیشتر می‌شود. همچنین، مدیران با توانمندی بالا در شرکت‌های بزرگ و اهرمی محافظه‌کاری کمتری اعمال می‌کنند. این رویکرد محافظه‌کارانه ناشی از تخصص مدیران در تنظیم قراردادهای کارآمد و اجتناب از پیامدهای منفی است. با این حال، سطح محافظه‌کاری مالی تنها به توانایی مدیران بستگی ندارد، بلکه ویژگی‌های سازمانی مانند اندازه شرکت و اهرم مالی نیز تأثیرگذارند. لذا، سرمایه‌گذاران باید این عوامل را در تحلیل‌های خود مدنظر قرار دهند.

اسفندیاری (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای به این نتیجه رسید که توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی حسابداری اثرگذار است. این یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که توانمندی‌های مدیریتی به‌ویژه در زمینه تصمیم‌گیری‌های حسابداری، می‌تواند در ایجاد و اعمال سیاست‌های محافظه‌کارانه مؤثر باشد.

قربانی و همکاران (۱۴۰۱)، نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین توانایی مدیران و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه‌ای مثبت وجود دارد. این تحقیق بر اهمیت ویژگی‌های مدیریتی همچون توانایی‌های تصمیم‌گیری، تجربه و دانش حسابداری مدیران در تأثیرگذاری بر اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه تأکید دارد.

خلج و مران جوری (۱۴۰۱)، در پژوهش خود به بررسی رابطه میان توانایی‌های مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که میان این دو عامل ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر مدیریت کارآمد بر انتخاب‌های حسابداری محافظه‌کارانه در سازمان‌ها است.

مران جوری و خلج (۱۴۰۰)، به این نتیجه دست یافتند که توانایی مدیریتی نقش مهمی در بهبود عملکرد شرکت، افزایش پیچیدگی و کاهش شفافیت اطلاعات، محافظه‌کاری غیرشرطی، اجتناب مالیاتی، کارایی سرمایه‌گذاری و محافظه‌کاری حسابداری دارد. همچنین، محافظه‌کاری حسابداری بر روابط سیاسی، سود و زیان و هزینه بدهی تأثیرگذار است. این یافته‌ها بر اهمیت مهارت‌های مدیریتی در شکل‌دهی به سیاست‌های مالی و گزارشگری تأکید دارد. بنابراین،

سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان باید در ارزیابی کیفیت گزارش‌های مالی، توانایی مدیریت را به‌عنوان عاملی کلیدی در نظر بگیرند تا تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند.

کامیابی و جوادنی (۱۴۰۰)، در مطالعه خود به بررسی رابطه بین احساسات سرمایه‌گذاران و محافظه‌کاری حسابداری پرداخته و نشان دادند که بین این دو متغیر، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، احساسات سرمایه‌گذاران تأثیر قابل توجهی بر رفتارهای حسابداری آن‌ها دارد. با این حال، یافته‌های آن‌ها بیانگر این است که توانایی مدیریت، نقشی تعدیلی و مؤثر در این رابطه ایفا نمی‌کند و بر این اساس، تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر محافظه‌کاری حسابداری مستقل از توانایی‌های مدیریتی باقی می‌ماند.

حسینی و برخورداری (۱۳۹۹)، نشان دادند که رابطه مثبت و معنادار میان استقلال هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی، با دیدگاه مبتنی بر تقاضای این خدمات و رویکرد مکمل همخوانی دارد. از سوی دیگر، رابطه منفی و معنادار بین تمرکز مالکیت و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی با دیدگاه مبتنی بر عرضه خدمات حسابرسی و رویکرد جانشینی سازگار است. علاوه بر این، تأثیر منفی و معنادار تمرکز مالکیت نهادی بر ارتباط میان استقلال هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی نیز با دیدگاه مرتبط با اثر جانشینی بالقوه بین مالکیت و کنترل مطابقت دارد.

طلایی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میان محافظه‌کاری غیرشرطی و توانایی مدیریت رابطه‌ای معکوس برقرار است، به این معنی که هرچه سطح محافظه‌کاری غیرشرطی در یک سازمان بالاتر باشد، توانایی مدیریت در آن سازمان کمتر خواهد بود. این یافته‌ها اهمیت توازن در اتخاذ استراتژی‌های مدیریتی را نمایان می‌سازد. اشفاق و همکاران^۱ (۲۰۲۴)، در پژوهش خود نشان دادند که شرکت‌های بزرگ‌تر با هیئت‌مدیره‌ای مستقل، تمایل بیشتری به اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی دارند، که می‌تواند ناشی از نظارت دقیق‌تر و کاهش تضاد منافع باشد. در مقابل، تنوع هیئت‌مدیره تأثیری بر این رفتار ندارد، شاید به این دلیل که ترکیب متنوع به‌تنهایی تضمینی برای رویکرد محافظه‌کارانه نیست. از سوی دیگر، حضور سهامداران نهادی به‌عنوان نیروی قدرتمند در جهت ارتقای محافظه‌کاری حسابداری عمل می‌کند، زیرا این گروه‌ها به دلیل منافع بلندمدت خود، بر شفافیت و کاهش ریسک‌های مالی تأکید دارند. در مجموع، ترکیب اندازه، استقلال هیئت‌مدیره و سهامداران نهادی نقشی کلیدی در استحکام مالی و گزارشگری محتاطانه شرکت‌های غیرمالی ایفا می‌کند.

هاندوکو و فواد^۲ (۲۰۲۳)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که توانایی‌های مدیریتی نقش مهمی در ایجاد تأثیرات مثبت بر محافظه‌کاری غیرشرطی ایفا می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مهارت‌های مدیریت می‌توانند باعث تقویت رفتارهای محافظه‌کارانه در سازمان‌ها شوند که در نهایت به پایداری و مدیریت ریسک‌های مالی کمک می‌کند.

دانگ و همکاران^۳ (۲۰۲۳)، به این نتیجه دست یافتند که ساختار حاکمیتی شرکت تأثیر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد، به‌ویژه از دریچه محافظه‌کاری حسابداری. در این میان، اندازه هیئت‌مدیره نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند و با افزایش تعداد اعضا، نظارت و دقت در گزارشگری مالی بهبود می‌یابد. از سوی دیگر، هرچند استقلال هیئت‌مدیره عاملی مهم تلقی می‌شود، اما تأثیر آن در مقایسه با سایر متغیرها کمرنگ‌تر است. این یافته‌ها بر اهمیت ترکیب بهینه هیئت‌مدیره و سازوکارهای نظارتی در تقویت شفافیت مالی و کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی تأکید دارند.

1. Ishfaq et al.

2 Handoko & Fuad

3. Dang et al.

دریایی و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، در پژوهشی نشان دادند که محافظه‌کاری مشروط و مقایسه‌پذیری حسابداری رابطه‌ای مثبت و قابل توجه با پاداش‌های اجرایی دارند و مدیریت سود انباشته می‌تواند این رابطه را تقویت کند. به عبارت دیگر، مدیران می‌توانند از این دو ابزار برای دریافت پاداش بیشتر بهره‌برداری کنند. در مقابل، محافظه‌کاری غیرمشروط تاثیری بر پاداش‌ها ندارد و مدیریت سود واقعی تاثیری بر تقویت این رابطه نمی‌گذارد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که مدیران با استفاده از محافظه‌کاری مشروط به دنبال فرصت‌های سودآورتر و دریافت پاداش‌های بالاتر هستند.

حیدر و همکاران (۲۰۲۱)، در مطالعه خود نشان دادند که توانمندی مدیریتی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های مالی دارد و با محافظه‌کاری حسابداری ارتباط مثبت و معناداری برقرار می‌کند. این یافته‌ها حاکی از آن است که مدیران با توانمندی‌های بالا تمایل بیشتری به اتخاذ روش‌های محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی دارند.

شارما و کائور^۲ (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند که ساختارهای حاکمیتی همچون ویژگی‌های هیئت مدیره و کمیته حسابرسی، تأثیر مستقیم و معناداری بر اتخاذ خط‌مشی‌های محافظه‌کارانه در حسابداری دارند. این به معنای آن است که شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی قوی‌تر معمولاً ترجیح می‌دهند رویکردی محتاطانه‌تر در گزارشگری مالی اتخاذ کنند تا از ریسک‌های مالی و قانونی اجتناب کنند.

رومادون و کوسوما^۳ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود نشان دادند که کیفیت حاکمیت می‌تواند رابطه مثبت بین توانایی مدیریتی و کیفیت سود را تقویت کند، اما تمرکز مالکیت تأثیر تعدیل‌کننده‌ای در این رابطه ندارد. نکته جالب، تأثیر منفی توانایی مدیریتی بر کیفیت سود است که به دلیل اقدامات فرصت‌طلبانه مدیرانی است که به دنبال دستیابی به اهداف شخصی یا کوتاه‌مدت خود هستند. این نتیجه به چالش کشیدن فرضیه‌های سنتی درباره تأثیر مثبت توانمندی‌های مدیریتی بر کیفیت سود را تایید می‌کند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره مطالعات کاربردی قرار دارد، زیرا یافته‌های آن می‌تواند در شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف برای تصمیم‌گیری، پاسخگویی به نیازها و حل مشکلات مورد استفاده قرار گیرند. از منظر روش شناخت، این پژوهش توصیفی-همبستگی است، زیرا هدف آن شناخت دقیق‌تر شرایط موجود و تحلیل روابط بین متغیرهاست و در فرآیند تصمیم‌گیری نقش مؤثری دارد. همچنین، این پژوهش در دسته مطالعات علی-پس‌رویدادی جای می‌گیرد، زیرا روابط علت و معلولی میان متغیرها را پس از وقوع رویدادها بررسی می‌کند. همچنین، این مطالعه از نظر ماهیت داده‌ها، کمی است، چراکه پدیده‌های مورد مطالعه بر پایه صورت‌های مالی و مدیریتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام می‌شود که داده‌های آن‌ها از طریق نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال استخراج و در نرم‌افزار اکسل گردآوری شده است. همچنین، به روش رگرسیون چندگانه با استفاده از نرم‌افزار ایویوز مورد تجزیه، تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. در نهایت، از لحاظ بعد زمان و مکان، این پژوهش ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی است، بدین معنا که علاوه بر استفاده از منابع معتبر داخلی و خارجی نظیر مقالات و کتاب‌ها، از داده‌های واقعی و مستندات موجود نیز برای ارائه تحلیلی جامع و دقیق بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار ایران است که در بازه زمانی پنج‌ساله از سال

۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱، سهام آن‌ها به‌طور مستمر مورد معامله قرار گرفته است و به تولید کالا و خدمات مشغول بوده‌اند. با توجه به ویژگی‌ها و ماهیت خاص شرکت‌های بورسی، برای انتخاب حجم نمونه، شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته شد. بر اساس این شرایط، پس از اعمال روش حذفی سیستماتیک، تعداد ۱۳۳ شرکت به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردیدند که در جدول زیر قابل ملاحظه است:

جدول ۱- انتخاب حداقل حجم نمونه

تعداد	تعداد	شرح
۳۸۰		تعداد شرکت‌های جامعه آماری فعال در بازار اول و دوم بورس تا پایان سال ۱۴۰۱
۴۳		شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، واسطه‌گری مالی، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها و لیزینگ‌ها
۷۴		شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفندماه نیست
۲۱		به دلیل محاسبه توانایی مدیریت و انجام تحلیل پوششی، صنایع کمتر از ۵ شرکت حذف می‌شوند
۶۹		شرکت‌های دارای توقف نماد بیش از ۶ ماه
۴۰		شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش تغییر سال مالی داشتند
(۲۴۷)		شرکت‌های حذف شده در نمونه آماری پژوهش
۱۳۳		شرکت‌های باقیمانده در نمونه آماری پژوهش

۲-۴. مدل‌های رگرسیونی پژوهش

با در نظر گرفتن ادبیات نظری و پیشینه پژوهش، مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش از نوع رگرسیون چندگانه هستند. بر این اساس، روابط زیر به عنوان مدل‌های آزمون فرضیه‌ها به کار گرفته شده‌اند:

مدل آزمون فرضیه اول:

$$Cons = B_0 + B_1Manage_{it} + B_2Size_{it} + B_3EBII_{it} + B_4Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل آزمون فرضیه دوم:

$$Cons = B_0 + B_1Manage_{it} + B_2INST_{it} + B_3(Manage_{it} * INST_{it}) + B_4Size_{it} + B_5EBII_{it} + B_6Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل آزمون فرضیه سوم:

$$Cons = B_0 + B_1Manage_{it} + B_2INB_{it} + B_3(Manage_{it} * BI_{it}) + B_4Size_{it} + B_5EBII_{it} + B_6Age_{it} + \varepsilon_{it}$$

۴-۴. نحوه اندازه‌گیری و تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

۴-۴-۱. متغیر وابسته

در این پژوهش، به‌منظور سنجش شاخص محافظه‌کاری حسابداری^۱، از مدل ارائه‌شده توسط نیکو مرام و بنی مهد (۱۳۸۷) بهره گرفته شده است. این مدل، که بر اساس داده‌های مربوط به یک بازه یازده ساله (۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳) از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تدوین شده، عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری را شناسایی کرده و چارچوبی برای اندازه‌گیری آن پیشنهاد می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در طول دوره مورد بررسی، محافظه‌کاری حسابداری و شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) در ایران به‌طور هم‌زمان روندی کاهشی داشته‌اند.

همچنین، با افزایش رشد عملیاتی شرکت‌ها، میزان محافظه‌کاری نیز افزایش یافته است. علاوه بر این، افزایش بدهی‌های بلندمدت موجب کاهش سطح محافظه‌کاری شده و وابستگی آن به شاخص‌های عملکرد در هر صنعت مشهود است. نتایج پژوهش همچنین حاکی از آن است که اندازه شرکت‌ها و مالیات تأثیر معناداری بر سطح محافظه‌کاری در حسابداری ندارند. افزون بر این، محافظه‌کاری به عنوان یک سازوکار قراردادی کارآمد برای کاهش تعارض‌های مرتبط با تقسیم سود میان سهامداران و اعتباردهندگان محسوب نمی‌شود. بر این اساس، مدل محافظه‌کاری در حسابداری به صورت زیر ارائه می‌شود:

$$CONS = 0.836 ROA + 0.02103 SALEGRO - 0.395 LEV - 1.124 CFO + \varepsilon$$

که در آن:

CONS = شاخص محافظه‌کاری هر شرکت در هر سال

ROA = بازده دارایی هر شرکت در هر سال

SALESGRO = نرخ رشد فروش هر شرکت در هر سال نسبت به سال قبل

LEV = نسبت اهرم مالی هر شرکت در هر سال، برابر است با جمع بدهی بلندمدت به جمع دارایی‌ها

CFO = نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به جمع دارایی‌ها در هر شرکت در هر سال

ε = میزان خطای مدل

۲-۴-۲. متغیر مستقل

برای سنجش متغیر توانایی مدیریت^۱ در این پژوهش، از مدل دمرجیان و همکاران^۲ (۲۰۱۲) استفاده شده است. این پژوهشگران بر این باورند که کارایی کل شرکت، که از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود، نشان‌دهنده میزان بهره‌گیری مدیریت از منابع در اختیار و همچنین توانمندی‌های فردی مدیران است. دلیل این امر آن است که مدیران دارای توانایی مدیریتی بالاتر، صرف‌نظر از اندازه شرکت، در پیش‌بینی سازوکارها و روندهای سازمانی و همچنین در مذاکرات با مشتریان عمده و تأمین‌کنندگان مواد و محصولات، عملکرد مؤثرتری خواهند داشت. در این مدل، کارایی مدیریت را می‌توان در دو مرحله اندازه‌گیری کرد (ولی زاده و همکاران، ۱۳۹۶).

در مرحله نخست، میزان کارایی نسبی با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها، مطابق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$Max_v \theta = \frac{Sales}{(v_1 CGS + v_2 SG\&A + v_3 FC + v_4 NOC + v_5 ACC + v_6 PPE + v_7 Intan)}$$

که در این رابطه؛ (Sales: مجموع فروش)، (CGS: بهای تمام شده کالای فروش رفته)، (SG&A: هزینه‌های فروش، اداری و عمومی)، (FC: هزینه‌های تأمین مالی)، (NOC: خالص سایر هزینه‌ها)، (ACC: میانگین هزینه‌های سرمایه)، (PPE: دارایی‌های ثابت مشهود شامل؛ اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات) و (Intan: خالص دارایی‌های ثابت نامشهود).

در مدل مذکور برای هر یک از متغیرهای ورودی خاص (V) تعریف شده است، زیرا تأثیر هر یک از متغیرهای ورودی و خروجی (فروش) یکسان نیست. مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در بازه‌ای بین صفر تا یک قرار دارد. شرکت‌هایی که نمره کارایی آن‌ها برابر با یک است، به عنوان شرکت‌های کارا شناخته می‌شوند، درحالی‌که شرکت‌هایی با نمره کارایی کمتر از یک، در زیر مرز کارایی قرار دارند. این شرکت‌ها باید با کاهش هزینه‌ها یا افزایش درآمدها، خود را به مرز کارایی برسانند. محاسبه کارایی شرکت با هدف ارزیابی توان مدیریتی آن انجام می‌شود. در مرحله دوم، مطابق با دیدگاه دمرجیان و همکاران، ویژگی‌های ذاتی شرکت با استفاده از پنج ویژگی خاص شامل اندازه شرکت (Size)، سهم بازار (MSH)، جریان‌های نقدی آزاد (FCF)، عمر پذیرش شرکت در بورس (Age) و فروش خارجی صادرات (FCI) مورد بررسی قرار گرفته و از طریق اجرای مدل رگرسیون زیر کنترل می‌شود:

$$Firm\ Efficiency = \beta_0 + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 MSH_{it} + \beta_3 FCF_{it} + \beta_4 Age_{it} + \beta_5 FCI_{it} + \varepsilon_{it}$$

Firm Efficiency: شاخصی از کارایی کلی شرکت است که برای اندازه‌گیری آن از روش تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده می‌شود. $Size_{it}$: بیانگر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است. MSH_{it} : نشان‌دهنده سهم بازار شرکت بوده و از نسبت فروش شرکت i در سال t به فروش کل صنعت در همان سال محاسبه می‌شود. FCF_{it} : نشانگر جریان‌های نقد آزاد شرکت i در سال t است که از نسبت جریان نقد آزاد به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. جریان‌های نقد آزاد از تفاضل خالص جریان وجوه نقد عملیاتی، سود سهام پرداختی و خالص جریان وجوه نقد سرمایه‌گذاری محاسبه می‌شود. Age_{it} : لگاریتم طبیعی سن شرکت را نشان می‌دهد که برابر با تعداد سال‌های فعالیت آن از زمان تأسیس است. FCI_{it} : یک متغیر مجازی بوده که در صورت انجام صادرات توسط شرکت مقدار آن برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود. در رابطه بالا، جمله باقیمانده ε_{it} نشان‌دهنده میزان تأثیر توانایی مدیریت بر کارایی شرکت‌ها است (ولی زاده و عبدالرحیمی، ۱۴۰۲).

۳-۴-۴. متغیرهای تعدیلگر

برای سنجش میزان سهامداران نهادی^۱، از نسبت تعداد سهام در اختیار مالکان نهادی به کل سهام عادی شرکت بهره گرفته می‌شود. برای سنجش میزان استقلال هیئت مدیره^۲، از تعداد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره بهره گرفته می‌شود. این معیار از طریق نسبت تعداد اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره محاسبه می‌گردد.

۴-۴-۴. متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت^۳ از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری بر جمع دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود (حیدری سلطان‌آبادی و همکاران^۴، ۲۰۲۰).

1. INST
2. BI
3. Size
4. Heydari Soltanabadi et al.

برای اندازه‌گیری سودآوری^۱، از نسب سود خالص پس از کسر مالیات بر کل دارایی‌های شرکت بهره گرفته می‌شود.

$$\text{سود خالص پس از کسر مالیات و بهره} \\ \text{کل دارایی ها} = \text{سود آوری}$$

برای اندازه‌گیری سن شرکت^۲، از لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت یک شرکت به دست می‌آید (حیدری سلطان‌آبادی و همکاران، ۲۰۲۰).

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. آمار توصیفی

در جدول (۲)، یافته‌های توصیفی مرتبط به متغیرها از طریق شاخص‌های مختلف از جمله میانگین، انحراف معیار، کمترین و بیشترین مقدار متغیرها و ضرایب چولگی و کشیدگی در توزیع داده‌های مربوط به ۱۳۳ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۵ ساله (۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱) ارائه شده است.

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش- تعداد مشاهدات = ۶۶۵ سال/شرکت

نام متغیر	میانگین	میان	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
محافظه‌کاری حسابداری	۰/۳۹۶	۰/۵۸۲	۰/۸۸۶	۰/۰۰۴	۰/۴۰۵	-۱/۶۶۴	۲/۹۵۴
توانایی مدیریت	۰/۰۳۲	۰/۰۵۸۰	۰/۱۰۹	-۰/۶۴۳	۰/۱۱۰	-۲/۶۷۲۶	۷/۶۶۴
سهامداران نهادی	۰/۶۴۳	۰/۴۳۸	۰/۹۴۵	۰/۰۵۲	۰/۶۳۶	-۰/۹۷۰	۳/۷۰۳
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۱۶	۰/۶۹۰	۰/۹۸۳	۰/۲۸۴	۰/۵۵۲	۰/۸۰۴	۳/۰۴۱
اندازه شرکت	۱۴/۲۰۱	۱۵/۳۹۲	۱۹/۷۱۶	۹/۹۰۳	۱/۲۸۱	۰/۷۹۲	۳/۳۱۷
سودآوری	۰/۲۸۸	۰/۴۳۷	۰/۸۹۳	۰/۰۰۳	۰/۵۷۲	۰/۳۱۲	۳/۹۸۱
سن شرکت	۳/۰۴۵	۴/۳۴۱	۶/۴۳۷	۲/۱۰۴	۰/۳۶۰	-۰/۵۵۶	۲/۳۷۲

محاسبات جدول (۲)، نشان می‌دهند که میانگین محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌ها برابر با ۰/۲۹۶ است که نشان‌دهنده سطح معقولی از محافظه‌کاری در ارائه اطلاعات مالی می‌باشد. بیشترین مقدار ۰/۸۸۶ و کمترین مقدار ۰/۰۰۴ بیانگر تفاوت‌های قابل توجه در رفتار محافظه‌کارانه شرکت‌ها است. همچنین، میانگین توانایی مدیریت ۰/۰۳۲ بوده که بیانگر سطح پایین توانایی مدیریت در این شرکت‌ها است. بیشترین مقدار ۰/۱۰۹ و کمترین مقدار ۰/۶۴۳- نشان‌دهنده تفاوت‌های عمده در توانایی مدیریت است. در خصوص ساختار مالکیتی، میانگین سهم سهامداران نهادی برابر با ۰/۶۴۳ است که نشان‌دهنده حضور بالای نهادهای بزرگ در شرکت‌ها است، در حالی که بیشترین مقدار ۰/۹۴۵ و کمترین مقدار ۰/۰۳۲ تفاوت‌های قابل توجه در این شاخص را نشان می‌دهند. میانگین استقلال هیئت مدیره برابر با ۰/۶۱۶ است که نشان‌دهنده حضور اعضای غیرموظف است و بیشترین مقدار ۰/۹۸۳ و کمترین مقدار ۰/۲۸۴ این تفاوت‌ها را برجسته می‌کنند. همچنین، میانگین اندازه شرکت‌ها ۱۴/۲۰۱ بوده که نشان‌دهنده تفاوت‌های زیادی در اندازه شرکت‌ها است. میانگین سودآوری ۰/۲۸۸ است که نشان‌دهنده عملکرد مالی نسبتاً مطلوب در شرکت‌ها می‌باشد.

میانگین سن شرکت‌ها ۳/۰۴۵ سال است که بیشتر شرکت‌ها را نسبتاً جدید می‌سازد. انحراف معیار متغیرها در بازه صفر تا یک و ضرایب چولگی و کشیدگی در بازه ۳- و ۳+ قرار دارند که نشان‌دهنده توزیع نرمال داده‌ها است.

۲-۵. آزمون نرمال بودن داده‌ها

در اغلب پژوهش‌های علمی، هنگام استفاده از ابزارهای آمار استنباطی مانند آزمون‌های F ، t و رگرسیون، اطمینان از نرمال بودن متغیرها ضروری است. به‌ویژه در مدل‌های رگرسیونی، نرمال بودن متغیر وابسته یکی از مفروضات اساسی برای اجرای صحیح مدل‌های رگرسیون چندمتغیره محسوب برای بررسی نرمال بودن متغیرها، از آزمون جارکو-برا در نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است. در تمامی آزمون‌های نرمالیت، با سطح اطمینان ۹۵٪، اگر مقدار احتمال (Prob.) بیشتر از ۰/۰۵، فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود؛ در غیر این صورت، فرض نرمال بودن رد خواهد شد. جدول (۳) نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها برای تمامی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۳- آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها با جارکو-برا				
متغیر	تعداد مشاهدات	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
محافظه‌کاری حسابداری	۶۶۵	۳۱/۷۴۱	۰/۰۰۳۲	نرمال نیست.
توانایی مدیریت	۶۶۵	۶۴/۳۶۵	۰/۰۰۰۰	نرمال نیست.
سهامداران نهادی	۶۶۵	۱۷/۳۹۰	۰/۰۰۵۸	نرمال نیست.
استقلال هیئت مدیره	۶۶۵	۲۶/۰۸۳	۰/۰۰۳۴	نرمال نیست.
اندازه شرکت	۶۶۵	۲/۲۶۷	۰/۱۰۳	نرمال است.
سودآوری	۶۶۵	۲۸/۹۳۴	۰/۰۰۷۰	نرمال نیست.
سن شرکت	۶۶۵	۱۰/۱۸۲	۰/۰۱۸	نرمال نیست.
محافظه‌کاری حسابداری (پس از تبدیل جانشون)	۶۶۵	۴/۰۱۷	۰/۰۹۲	نرمال است.

بر اساس نتایج جدول (۳)، محاسبات نشان می‌دهد که به‌جز متغیر اندازه شرکت، سطح معناداری آزمون جارکو-برا برای تمامی متغیرهای پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، داده‌های این متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. به‌طور تجربی، داده‌هایی که از صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی استخراج می‌شوند، معمولاً توزیع نرمال ندارند و برای استفاده در تحلیل‌های آماری، نیازمند تبدیل و دستکاری هستند. در این راستا، متغیر وابسته محافظه‌کاری با استفاده از تبدیل جوهانسون مجدداً برازش شد و آزمون نرمال بودن روی آن انجام گرفت. نتایج این آزمون، که در سطر آخر جدول ارائه شده است، نشان می‌دهد که توزیع داده‌های این متغیر پس از تبدیل، نرمال شده است.

در مدل‌های رگرسیونی، نرمال بودن جملات خطا (ϵ) یک پیش‌فرض مهم محسوب می‌شود، زیرا می‌تواند بر اعتبار نتایج مدل تأثیر بگذارد و تا حدی نرمال بودن ترکیب متغیرها را نیز تأیید کند. در جدول (۴)، آزمون نرمال بودن خطاها برای مدل‌های مورد بررسی انجام شده و نتایج آن ارائه شده است.

جدول ۴- آزمون نرمال بودن باقیمانده مدل‌های رگرسیونی			
جملات خطا (ϵ_0) در مدل‌ها	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
خطای مدل اول	۰/۹۹۷	۰/۱۰۸	توزیع نرمال دارد
خطای مدل دوم	۰/۶۲۵	۰/۵۳۴	توزیع نرمال دارد
خطای مدل سوم	۱/۰۰۵	۰/۲۰۱	توزیع نرمال دارد

محاسبات ارائه‌شده در جدول فوق نشان می‌دهد که سطح احتمال جمله‌های باقی‌مانده (ϵ_0) بر اساس آزمون جارکو-برا برای تشخیص نرمال بودن توزیع، در هر سه مدل بیش از ۰/۰۵ است بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که خطاها در این مدل‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

۳-۵. مانایی متغیرها (آزمون ریشه واحد)

در پژوهش‌هایی که از مدل‌های رگرسیونی استفاده می‌شود، بررسی پایایی متغیرها ضروری است؛ زیرا اجرای این آزمون از بروز رگرسیون کاذب جلوگیری می‌کند. آزمون پایایی نشان می‌دهد که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان ثابت بوده و کواریانس آن‌ها در سال‌های مختلف پژوهش یکسان است. در این پژوهش، برای ارزیابی مانایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو^۱ استفاده شده است. مبنای آزمون ریشه واحد بر این اصل استوار است که اگر در یک فرآیند خودرگرسیونی مرتبه اول، مقدار α برابر با ۱ باشد، سری زمانی نامانا خواهد بود و در غیر این صورت، سری ماناست. در این آزمون، اگر مقادیر سطح معناداری آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪، کوچکتر از ۰/۰۵ باشد آن متغیر در آماره مذکور مانا (پایا) است و برعکس که در جدول (۵)، نتایج به دست آمده حاصل از آزمون ریشه واحد ارائه شده است.

جدول ۵- جدول مانایی متغیرها با آزمون لوین، لین و چو			
متغیرها	مقدار آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
محافظه‌کاری حسابداری	-۳۲/۹۰۱	۰/۰۰۰	مانا است.
توانایی مدیریت	۳۲۲/۷۰۹	۰/۰۰۰	مانا است.
سهامداران نهادی	۸۵/۲۷۸	۰/۰۰۰	مانا است.
استقلال هیئت مدیره	۵۳۰/۳۰۲	۰/۰۰۰	مانا است.
اندازه شرکت	۲۲۰/۵۰۲	۰/۰۰۰	مانا است.
سودآوری	-۸۹/۷۶۲	۰/۰۰۰	مانا است.
سن شرکت	۱۲/۵۰۵	۰/۰۰۰	مانا است.

بر اساس نتایج محاسبات جدول (۵)، سطح معناداری آزمون مانایی (ریشه واحد) برای تمامی متغیرها برابر با ۰/۰۰ و کمتر از ۰/۰۵ است، است. این امر نشان می‌دهد که تمامی متغیرها مانا هستند و میانگین و واریانس آن‌ها در طول دوره‌ی پژوهش ثابت باقی می‌ماند. بنابراین، می‌توان با اطمینان بیشتری به برآورد مدل‌های رگرسیونی پرداخت، بدون آنکه نگران بروز رگرسیون کاذب باشیم.

۴-۵. آزمون ناهمسانی واریانس

در رگرسیون چندمتغیره، یکی از مفروضات اساسی، همسان بودن واریانس جملات اخلاص در طول دوره‌های مختلف است. در صورتی که این فرض نقض شود، پدیده‌ی ناهمسانی واریانس رخ می‌دهد. این مشکل باعث می‌شود که انحراف معیار عرض از مبدأ به شدت افزایش یابد و انحراف معیار ضرایب شیب نیز بسته به نوع ناهمسانی، تحت تأثیر قرار گیرد. محاسبات آزمون ناهمسانی واریانس به روش آماره آزمون والد در جدول (۶) نشان داده شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون ناهمسانی واریانس			
مدل‌های رگرسیونی آزمون	آماره آزمون والد	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل اول	۳۳۵/۰۳۶	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص وجود دارد.
مدل دوم	۹۵/۷۳۵	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص وجود دارد.
مدل سوم	۱۰۹/۷۳۱	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص وجود دارد.

محاسبات ارائه‌شده در جدول (۶)، نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون والد برای هر سه مدل (اول، دوم و سوم) برابر با ۰/۰۰ بوده و کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، این امر بیانگر وجود ناهمسانی واریانس خطاها در مدل‌های

رگرسیون است. برای رفع این مشکل، در فرآیند برآورد مدل‌ها از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۱ استفاده می‌شود تا نتایج حاصل از تحلیل، اعتبار و دقت بیشتری داشته باشد.

۵-۵. آزمون خودهمبستگی سریالی

یکی از مفروضات کلاسیک پیش از برآورد مدل‌های رگرسیون چندمتغیره، بررسی وجود یا عدم خودهمبستگی میان جملات خطا یا همان همبستگی سریالی خطاهاست. از آنجا که مقادیر متغیرهای توضیحی در مدل به‌طور تصادفی تعیین می‌شوند، مقادیر خطاها نیز باید به‌طور کلی تصادفی باشند. به عبارت دیگر، باید هیچ‌گونه همبستگی یا ترتیب خاصی میان مقادیر جملات خطا وجود نداشته باشد و این مقادیر در طول زمان تغییرات منظم و پیش‌بینی‌ناپذیری داشته باشند. در غیر این صورت، تغییرات جملات خطا تصادفی نبوده و به مقادیر متغیرهای توضیحی وابسته خواهند بود.

جدول ۷- نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل اول	۱۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی بین جملات خطا
مدل دوم	۱۹/۳۲۰	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی بین جملات خطا
مدل سوم	۲۸/۰۹۲	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی بین جملات خطا

با توجه به نتایج جدول (۷)، سطح معناداری آزمون والد ریچ برای هر سه مدل کوچکتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها از طریق اجرای دستور همبستگی خودکار برطرف می‌شود.

۶-۵. انتخاب نوع الگوی مدل‌ها

آزمون F لیمر یکی از آزمون‌های رایج برای تشخیص روش پانل دیتا یا تلفیقی است. تفاوت اصلی این دو روش در این است که در روش تلفیقی یک عرض از مبدأ برای کل دوره زمانی در نظر گرفته می‌شود، در حالی که در روش پانل، عرض از مبدأ برای هر واحد مقطعی در هر سال متفاوت است. در مطالعات کاربردی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا شواهدی برای ادغام داده‌ها وجود دارد یا اینکه مدل برای واحدهای مقطعی متفاوت است؟ در صورت وجود ناهمگنی، از روش پانل دیتا و در غیر این صورت از روش تلفیقی با استفاده از حداقل مربعات معمولی استفاده می‌شود. همچنین، آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی به‌کار می‌رود. همانطور که مشخص است، در جدول (۸) نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن برای هر سه مدل رگرسیونی آورده شده است.

جدول ۸- نتایج آزمون الگوی رگرسیون F لیمر و هاسمن

نوع آزمون	مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	مدل فرضیه اول	۹۷/۵۳۴	۰/۰۰۰	پذیرش الگوی پانل دیتا
	مدل فرضیه دوم	۱/۶۹۳	۰/۰۹۷	الگوی حداقل مربعات تجمیع شده
	مدل فرضیه سوم	۰/۱۵۹	۰/۱۹۲	الگوی حداقل مربعات تجمیع شده
آزمون هاسمن	مدل فرضیه اول	۹۴/۸۷	۰/۰۰۲	الگوی اثرات ثابت

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که سطح معناداری برای مدل‌های دوم و سوم بیشتر از ۰/۰۵ است، که بدین معناست که در تخمین این دو مدل از الگوی رگرسیون حداقل مربعات تجمیع شده^۱ استفاده شده است. از سوی دیگر، سطح معناداری برای مدل اول کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، فرضیه‌ای مبنی بر وجود داده‌های تلفیقی به نفع داده‌های تابلویی رد می‌شود. لازم به ذکر است که در مدل‌هایی که روش پانل دیتا برای آنها تأیید شده است (مانند مدل اول)، نیازی به آزمون هاسمن برای تعیین نوع اثرات (ثابت یا تصادفی) وجود ندارد. در جدول (۸)، نتایج مربوط به مدل اول ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون هاسمن در این مدل کمتر از ۰/۰۵ است، بدین ترتیب، روش مناسب برای برآورد مدل اول، الگوی اثرات ثابت است.

۷-۴. نتیجه آزمون فرضیه اول

جدول ۹- تخمین مدل اول برای آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: محافظه‌کاری در حسابداری (Cons)					
$Cons = B_0 + B_1Manage_1 + B_2SIZE + B_3EBIT + B_4Age + \varepsilon_0$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	Manage	-۰/۲۱۲	۰/۰۸۲	-۲/۵۶۰	۰/۰۰۷
اندازه شرکت	Size	۰/۰۸۰	۰/۲۰۳	۰/۳۹۴	۰/۳۰۱
سودآوری	EBIT	۰/۱۴۸	۰/۰۴۵	۳/۲۸۸	۰/۰۰۴
سن شرکت	Age	-۰/۱۷۹	۰/۰۹۸	-۱/۸۲۶	۰/۰۸۲
عرض از مبدأ	C	۱/۰۲۹	۰/۲۰۷	۴/۹۷۱	۰/۰۰۰
همبستگی مرتبه اول	AR(1)	-۰/۱۶۲	۰/۰۴۶	-۳/۵۲۱	۰/۰۰۰
مقدار آماره F: ۶۴۷/۳۰۹		ضریب تعیین (R^2): ۰/۵۷۲			
سطح معناداری F: ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{adj}): ۰/۵۵۸			
مقدار آماره دوربین واتسون: ۱/۸۶۲					

نتایج در جدول (۹)، نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است، زیرا مقدار آماره F برابر با ۶۴۷/۳۰۹ بوده و سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده اعتبار مدل و توانایی آن در تبیین محافظه‌کاری حسابداری است. مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۱/۸۶۲ در بازه مطلوب ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، که بیانگر عدم وجود خودهمبستگی در مدل است. ضریب متغیر توانایی مدیریت (Manage) برابر با -۰/۲۱۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۷ نشان می‌دهد که این متغیر تأثیری منفی و معنادار بر محافظه‌کاری حسابداری دارد، به این معنا که هرچه توانایی مدیریت افزایش یابد، سطح محافظه‌کاری کاهش می‌یابد، و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. متغیر سودآوری (EBIT) با ضریب ۰/۱۴۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۴ تأثیر مثبت و معنادار بر محافظه‌کاری حسابداری دارد، یعنی شرکت‌های سودآورتر رویکردی محافظه‌کارانه‌تر در گزارشگری مالی اتخاذ می‌کنند. از سوی دیگر، متغیر اندازه شرکت (Size) با ضریب ۰/۰۸۰ و سطح معناداری ۰/۳۰۱ تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارد، اما متغیر سن شرکت (Age) با ضریب -۰/۱۷۹ و سطح معناداری ۰/۰۸۲ ارتباطی منفی با محافظه‌کاری حسابداری دارد، هرچند که این رابطه در سطح ۵ درصد معنادار نیست. همچنین، متغیر همبستگی مرتبه اول با ضریب -۰/۱۶۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده وجود ارتباط منفی و معنادار در مدل است. ضریب تعیین مدل نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی توانسته‌اند ۵۷ درصد از تغییرات محافظه‌کاری حسابداری را توضیح دهند و ضریب تعیین تعدیل شده نیز بیانگر آن

است که پس از تعدیل مدل، متغیرهای موجود همچنان قادر به توضیح ۵۵ درصد از واریانس محافظه‌کاری حسابداری هستند.

۸-۵- نتیجه آزمون فرضیه دوم

جدول ۱۰- تخمین مدل دوم برای آزمون فرضیه دوم

متغیر وابسته: محافظه‌کاری در حسابداری (Cons)					
$Cons = B_0 + B_1Manage_1 + B_2INST + B_3(Manage * INST) + B_4SIZE + B_5EBIT + B_6Age + \varepsilon_0$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	Manage	-۰/۳۰۵	۰/۱۱۳	-۲/۶۹۹	۰/۰۱۸
سهامداران نهادی	INST	۱/۲۷۳	۰/۱۰۲	۱۲/۴۸۰	۰/۰۰۰
توانایی مدیریت*سهامداران نهادی	Manage*INST	۰/۱۰۷	۰/۰۳۱	۳/۴۵۱	۰/۰۰۵
اندازه شرکت	Size	۰/۲۳۷	۰/۲۱۰	۱/۱۲۸	۰/۰۹۴
سود آوری	EBIT	۰/۲۹۲	۰/۱۰۶	۲/۷۵۴	۰/۰۲۲
سن شرکت	Age	-۰/۰۸۷	۰/۰۷۶	۰/۰۹۷	۰/۱۰۳
عرض از مبدا	C	-۱/۰۸۰	۰/۲۰۱	-۰/۴۳۲	۰/۳۰۲
همبستگی مرتبه اول	AR(1)	-۰/۱۶۸	۰/۰۴۱	-۴/۰۹۷	۰/۰۰۲
آماره F: ۸۷/۹۰۲			ضریب تعیین (R^2): ۰/۵۹۱		
سطح معناداری F: ۰/۰۰۰			ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{adj}): ۰/۵۷۷		
مقدار آماره دوربین واتسون: ۲/۰۹۱					

نتایج در جدول (۱۰)، نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است، زیرا مقدار آماره F برابر با ۸۷/۹۰۲ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است، که تأیید می‌کند مدل از نظر آماری معنادار بوده و فاقد رگرسیون کاذب است. همچنین، مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۲/۰۹۱ بوده که نشان‌دهنده استقلال خطاها و عدم خودهمبستگی در مدل است. متغیر توانایی مدیریت (Manage) با ضریب -۰/۳۰۵ و سطح معناداری ۰/۰۱۸ نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر محافظه‌کاری حسابداری است، یعنی هرچه توانایی مدیریت افزایش یابد، سطح محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. سهامداران نهادی (INST) با ضریب ۱/۲۷۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد، به این معنا که حضور بیشتر سهامداران نهادی در ترکیب مالکیت شرکت، باعث افزایش سطح محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. از سوی دیگر، متغیر تعاملی بین توانایی مدیریت و سهامداران نهادی (Manage*INST) با ضریب ۰/۱۰۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۵ نشان می‌دهد که سهامداران نهادی می‌توانند نقش تعدیلی مثبتی در رابطه بین توانایی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری ایفا کنند، یعنی هرچه میزان سهامداران نهادی در شرکت بیشتر باشد، تأثیر منفی توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. در خصوص متغیرهای کنترلی، سودآوری (EBIT) با ضریب ۰/۲۹۲ و سطح معناداری ۰/۰۲۲ تأثیر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد، اما اندازه شرکت (Size) با ضریب ۰/۲۳۷ و سطح معناداری ۰/۰۹۴ و سن شرکت (Age) با ضریب -۰/۰۸۷ و سطح معناداری ۰/۱۰۳ نشان می‌دهد که این دو متغیر تأثیر معناداری در سطح ۵ درصد بر محافظه‌کاری حسابداری ندارند. همچنین، متغیر همبستگی مرتبه اول با ضریب -۰/۱۶۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۲ نشان‌دهنده وجود ارتباط منفی و معنادار در مدل است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۷۷ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، از جمله تعامل بین توانایی مدیریت و سهامداران نهادی، توانسته‌اند حدود ۵۷ درصد از تغییرات محافظه‌کاری حسابداری را توضیح دهند.

۹-۵. نتیجه آزمون فرضیه سوم

جدول ۱۱- تخمین مدل سوم برای آزمون فرضیه سوم

متغیر وابسته: محافظه کاری حسابداری (Cons)					
$Cons = B_0 + B_1Manage_1 + B_2INB + B_3(Manage * BI) + B_4SIZE + B_4EBIT + B_5Age + \varepsilon_0$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
توانایی مدیریت	Manage	-۰/۰۹۷	۰/۰۳۳	-۲/۹۳۹	۰/۰۱۳
استقلال هیئت مدیره	BI	-۰/۸۸۳	۰/۰۹۷	-۹/۱۰۳	۰/۰۰۰
توانایی مدیریت*استقلال هیئت مدیره	Manage*BI	-۰/۱۷۸	۰/۰۵۸	-۳/۰۶۸	۰/۰۰۸
اندازه شرکت	Size	۰/۰۳۸	۰/۰۹۸	۰/۳۸۷	۰/۱۰۴
سود آوری	EBIT	۰/۱۶۹	۰/۰۹۷	۱/۷۴۲	۰/۰۸۶
سن شرکت	Age	-۰/۰۲۸	۰/۱۱۶	-۰/۲۴۱	۰/۴۶۹
عرض از مبدا	C	۰/۵۰۱	۰/۱۰۵	۴/۷۷۱	۰/۰۰۰
همبستگی مرتبه اول	AR(1)	-۱/۱۰۲	۰/۱۸۷	-۵/۸۹۳	۰/۰۰۰
آماره F: ۴/۹۸۲		ضریب تعیین (R^2): ۰/۵۲۱			
سطح معناداری F: ۰/۰۰۰		ضریب تعیین تعدیل شده (R^2_{adj}): ۰/۵۰۸			
مقدار آماره دوربین واتسون: ۲/۲۳۵					

نتایج محاسبات ارائه شده در جدول (۱۱)، نشان می‌دهد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است، زیرا مقدار آماره F برابر با ۴/۹۸۲ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است که تأیید می‌کند مدل از نظر آماری معنادار بوده و فاقد رگرسیون کاذب است. همچنین، مقدار آماره دوربین-واتسون برابر با ۲/۱۳۵ بوده که نشان‌دهنده استقلال خطاها و عدم خودهمبستگی در مدل است. متغیر توانایی مدیریت (Manage) با ضریب -۰/۰۹۷ و سطح معناداری ۰/۰۱۳ نشان‌دهنده تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر محافظه کاری حسابداری است، یعنی هرچه توانایی مدیریت افزایش یابد، سطح محافظه کاری کاهش می‌یابد. استقلال هیئت مدیره (BI) با ضریب -۰/۸۸۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نیز تأثیر منفی و معناداری بر محافظه کاری حسابداری دارد، به این معنا که هرچه استقلال هیئت مدیره بیشتر باشد، سطح محافظه کاری در حسابداری کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، متغیر تعاملی بین توانایی مدیریت و استقلال هیئت مدیره (Manage*BI) با ضریب -۰/۱۷۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۸ نشان می‌دهد که استقلال هیئت مدیره می‌تواند نقش تعدیلی معکوسی در رابطه بین توانایی مدیریت و محافظه کاری حسابداری ایفا کند، به این معنا که در شرکت‌هایی با هیئت مدیره مستقل‌تر، کاهش محافظه کاری ناشی از توانایی مدیریت شدت بیشتری خواهد داشت. در خصوص متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت (Size) با ضریب ۰/۰۳۸ و سطح معناداری ۰/۱۰۴ و سودآوری (EBIT) با ضریب ۰/۱۶۹ و سطح معناداری ۰/۰۸۶ نشان می‌دهد که این دو متغیر تأثیر معناداری در سطح ۵ درصد بر محافظه کاری حسابداری ندارند. همچنین، سن شرکت (Age) با ضریب -۰/۰۲۸ و سطح معناداری ۰/۴۶۹ نیز اثر معناداری بر محافظه کاری ندارد. از سوی دیگر، متغیر همبستگی مرتبه اول با ضریب -۱/۱۰۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده وجود ارتباط منفی و معنادار در مدل است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۰۸، نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، از جمله تعامل بین توانایی مدیریت و استقلال هیئت مدیره، توانسته‌اند حدود ۵۰ درصد از تغییرات محافظه کاری حسابداری را توضیح دهند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری با در نظر گرفتن نقش تعدیلی سهامداران نهادی و استقلال هیئت مدیره است. نتایج پژوهش در فرضیه اول نشان می‌دهد که توانایی مدیریتی تأثیر معکوس و معناداری بر سطح محافظه‌کاری حسابداری دارد. در شرکت‌هایی که مدیران توانمندتری دارند، به‌کارگیری رویه‌های محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. این امر به دلیل توانایی مدیران در ارزیابی و مدیریت عدم اطمینان‌های مالی است. مدیران ماهر به‌جای اتخاذ سیاست‌های محتاطانه که بر کاهش ریسک از طریق گزارشگری محافظه‌کارانه تأکید دارد، از راهکارهای شفاف‌تر و مبتنی بر اطلاعات واقعی بهره می‌برند. در چنین شرایطی، محافظه‌کاری که به‌عنوان مکانیزم پیشگیرانه برای کاهش ریسک‌های اطلاعاتی استفاده می‌شود، جای خود را به تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و آگاهانه می‌دهد. مدیران توانمند ترجیح می‌دهند اطلاعات مالی را به‌گونه‌ای ارائه کنند که تصویری دقیق و منصفانه از عملکرد شرکت منعکس شود. این رویکرد علاوه بر افزایش شفافیت اطلاعاتی، موجب جلب اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود، زیرا تصمیم‌گیری بر مبنای داده‌های واقعی را امکان‌پذیر می‌سازد. در مقابل، مدیرانی با توانایی‌های مدیریتی کمتر، به دلیل نگرانی از پیامدهای مالی نامطلوب و عدم توانایی در پیش‌بینی آینده، به اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه روی می‌آورند. بنابراین، افزایش توانایی مدیریت، نیاز به محافظه‌کاری در حسابداری را کاهش داده و منجر به گزارشگری مالی شفاف‌تر می‌شود. این یافته‌ها برای سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی در ارزیابی کیفیت مدیریت و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری اهمیت زیادی دارد. این فرضیه با نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط خواجه‌وی و همکاران (۱۴۰۱)، اسفندیاری (۱۴۰۱)، قربانی و همکاران (۱۴۰۱)، خلج و مران جوری (۱۴۰۰) و (۱۴۰۱)، کامیابی و جوادی‌نیا (۱۴۰۰)، طلایی و همکاران (۱۳۹۸)، هاندوکو و فواد (۲۰۲۳) و همچنین حیدر و همکاران (۲۰۲۱) همخوانی دارد، زیرا همگی بر وجود رابطه و تأثیر توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری حسابداری تأکید کرده‌اند. با این حال، تأثیر یا رابطه معکوسی که در این فرضیه مشاهده شد، با نتایج پژوهش طلایی و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارد.

همچنین، نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد که سهامداران نهادی نقش تعدیلی و مثبتی در رابطه بین توانایی مدیریت و محافظه‌کاری حسابداری دارند. این سهامداران با استفاده از قدرت نظارتی و تأثیرگذاری بر تصمیمات مدیریتی، می‌توانند رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌تری را در شرکت‌ها ترویج دهند. این تأثیر از چندین جنبه قابل توضیح است: اول، سهامداران نهادی به دلیل سرمایه‌گذاری بلندمدت خود، به دنبال کاهش ریسک و حفظ ثبات مالی شرکت هستند و از مدیران می‌خواهند تا در تهیه گزارش‌های مالی، رویکرد محافظه‌کارانه‌تری اتخاذ کنند. این امر به کاهش خوش‌بینی بیش‌ازحد مدیران و افزایش شفافیت اطلاعات مالی کمک می‌کند. دوم، نظارت فعال سهامداران نهادی موجب می‌شود که مدیران از رفتارهای پرریسک اجتناب کنند و تمایل بیشتری به استفاده از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه داشته باشند تا تصویر واقع‌بینانه‌تری از عملکرد مالی شرکت ارائه دهند. سوم، نفوذ سهامداران نهادی در ساختار راهبری شرکتی باعث می‌شود که مدیران در تعامل با هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی، از استانداردهای محافظه‌کارانه پیروی کنند. در نهایت، هرچه سطح مالکیت سهامداران نهادی بیشتر باشد، تمایل به اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه افزایش می‌یابد و این امر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی و کاهش تضاد منافع کمک می‌کند.

در نهایت، در بررسی فرضیه سوم، یافته‌ها نشان داد که استقلال هیئت مدیره به‌طور معکوس تأثیر توانایی مدیریت را بر محافظه‌کاری حسابداری تعدیل می‌کند. به این معنا که هرچه مدیران توانمندتر باشند، نقش نظارتی هیئت مدیره مستقل می‌تواند باعث کاهش سطح محافظه‌کاری حسابداری شود. در شرکت‌هایی با مدیران توانمند، هیئت مدیره مستقل به‌جای تأکید بر استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه، بیشتر بر بهبود شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی تمرکز می‌کند. مدیران توانمند معمولاً مهارت‌های بیشتری در ارزیابی و مدیریت ریسک‌های مالی دارند، بنابراین نیازی به اعمال محافظه‌کاری برای پوشش عدم اطمینان وجود ندارد. در این شرایط، هیئت مدیره مستقل ممکن است از سیاست‌های محافظه‌کارانه اجتناب کرده و اجازه دهد تا اطلاعات مالی به‌صورت شفاف و بدون محدودیت‌های اضافی گزارش شود. این تعامل نشان می‌دهد که استقلال هیئت مدیره در شرکت‌های با مدیران توانمند، نه تنها به محافظه‌کاری بیشتر منجر نمی‌شود، بلکه می‌تواند نقش مهمی در کاهش آن ایفا کند. این امر از نظر سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان حائز اهمیت است، زیرا کاهش محافظه‌کاری بی‌مورد می‌تواند موجب نمایش واقعی‌تر وضعیت اقتصادی شرکت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شود. بنابراین، استقلال هیئت مدیره در شرکت‌هایی با مدیران توانمند می‌تواند به بهبود کیفیت اطلاعات مالی و درک بهتر از عملکرد واقعی شرکت کمک کند.

مطابق با نتایج حاصل شده از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که شرکت‌ها برای ارتقای توانمندی‌های مدیریتی خود سرمایه‌گذاری کنند. این اقدام می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی تخصصی، مشاوره‌های حرفه‌ای و جذب مدیران با تجربه و کارآمد صورت گیرد. تقویت مهارت‌های مدیریتی نه تنها باعث کاهش نیاز به اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانه خواهد شد، بلکه موجب ارتقای شفافیت در گزارشگری مالی نیز می‌گردد. در این راستا، توجه به تقویت استقلال هیئت مدیره امری ضروری است؛ هیئت مدیره‌ای مستقل می‌تواند به‌عنوان یک نهاد نظارتی قوی، از اتخاذ تصمیمات محافظه‌کارانه بی‌مورد جلوگیری کرده و به حفظ سلامت مالی و مدیریتی سازمان کمک کند.

یکی از اقدامات کلیدی در این راستا، ایجاد روندهای شفاف و مستحکم در روابط میان هیئت مدیره و مدیران اجرایی است. این امر نه تنها باعث افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران خواهد شد، بلکه زمینه‌ساز بهبود عملکرد مالی شرکت نیز می‌گردد. در کنار این، نظارت و حمایت مؤثر سهامداران نهادی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش شفافیت سازمان‌ها عمل کند. مشارکت فعال سرمایه‌گذاران نهادی در فرآیندهای نظارتی و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، کمک خواهد کرد تا از اعمال رویه‌های محافظه‌کارانه غیرضروری جلوگیری شود.

علاوه بر این، به‌منظور کاهش وابستگی به روش‌های محافظه‌کارانه، طراحی و پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری شفاف و دقیق ضرورت دارد. این استانداردها باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که به مدیران توانا این امکان را بدهند که اطلاعات مالی را به‌صورت دقیق و بدون نیاز به محافظه‌کاری اضافی ارائه دهند. در نهایت، به مدیران توصیه می‌شود که روابطی نزدیک و مستحکم با سرمایه‌گذاران خود برقرار کنند و به‌ویژه در دوران‌های بحرانی یا زمان‌های عدم اطمینان، اطلاعات شفاف، به‌موقع و دقیق را به آنان منتقل کنند. این رویکرد نه تنها موجب افزایش اعتماد و رضایت سرمایه‌گذاران خواهد شد، بلکه به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری و افزایش عملکرد کلی شرکت کمک می‌کند.

منابع

- اسفندیاری، مژده. (۱۴۰۱)، تأثیر توانایی مدیریت بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی حسابداری. مدیریت و حسابداری در هزاره سوم، ۶(۲)، ۶۸-۸۳.
- حسینی، محمد و برخورداری، حمیده. (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و حق الزحمه خدمات حسابرسی: تقابل دیدگاه‌های مبتنی بر عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۷(۱)، ۳۲-۵۹.
- خلج سجاد و مران جوری، مهدی. (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین توانایی مدیریتی با محافظه‌کاری حسابداری، همایش بین‌المللی کارآفرینی با شعار توسعه استعداد کارآفرینی: راهی به سوی تحول.
- خواجوی، شکرالله؛ ویسی حصار، ثریا و غیوری مقدم، علی. (۱۴۰۱). تأثیر توانایی مدیران بر محافظه‌کاری با تأکید بر نقش اندازه شرکت و اهرم مالی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۹(۴)، ۶۲۸-۶۴۹.
- قربانی، علی؛ نظری، بهروز و خدابنده، آذر. (۱۴۰۱). توانایی مدیران و محافظه‌کاری حسابداری. سومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع، مدیریت و حسابداری، چابهار.
- کامیابی، یحیی و جوادی نیا، امیر. (۱۴۰۰). بررسی اثر تعدیل‌کننده توانایی مدیریت بر رابطه بین احساسات سرمایه‌گذاران و محافظه‌کاری حسابداری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸(۱)، ۱۰۲-۱۳۴.
- مرادی شهدادی، خسرو و سلمان زاده، راحله. (۱۴۰۳). تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه، ۵(۱)، ۱۳۱-۱۵۱.
- مران جوری، مهدی و خلج سجاد. (۱۴۰۰). نقش توانایی مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۵(۱۹)، ۱۶۲۹-۱۶۳۸.
- مشایخی، بیتا و عظیمی، عابد. (۱۳۹۵). تأثیر توانایی‌های مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۲)، ۲۵۳-۲۶۷.
- مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد و اسکندر، هدی. (۱۳۸۹). رابطه نوع مالکیت نهادی و حسابداری محافظه کارانه. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۱)، ۴۷-۶۲.
- نیکومرام، هاشم و بنی مهد، بهمن. (۱۳۸۷). تبیین و ارائه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری، فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، ۱۹(۷۷)، ۱-۱۶.
- ولی زاده اوغانی، اکبر و عبدالرحیمی، الهام. (۱۴۰۲). اقلام تعهدی غیرعادی و ارتباط آن با خطای پیش‌بینی سود با تأکید بر توانایی مدیریت، پژوهش‌های حسابداری و راهبری شرکتی، ۵(۲)، ۷۷-۹۳.
- ولی زاده اوغانی، اکبر؛ فقهی فرهنگ، ناصر و مدرس خیابانی، فرزین. (۱۳۹۶). توانایی مدیریت و پیامدهای آن بر ارزش‌آفرینی شرکت‌ها با به‌کارگیری شبکه‌های عصبی (رویکرد مقایسه‌ای در صنایع شیمیایی و مواد غذایی)، آینده پژوهی مدیریت (پژوهش‌های مدیریت)، ۲۸(۱۱۱)، ۷۹-۹۲.
- Almaqtari, F. A., Farhan, N. H., Al-Hattami, H. M., & Elsheikh, T. (2022). The moderation role of board independence change in the relationship between board characteristics, related party transactions, and financial performance. *PloS One*, 17(12), 1-38.
- Alves, S. (2021). Does Institutional Ownership Affect Accounting Conservatism in Portuguese Capital Market. *International Journal of Accounting and Finance Studies*, 4(1), 17-29.
- Ardiany, Y., Lukviarman, N., Hamidi, M., & Luthan, E. (2023, December). Board Independent, Firm Size, CEO Ownership, and Accounting Conservatism: Evidence Banking Company in Indonesia. *In Journal of International Conference Proceedings*. 6(7), 70-79.
- Dang, A. T., Tran, Q. T., & Le, X. T. (2023). The board of directors influence on the information quality of financial reporting through accounting conservatism—Empirical evidence on Vietnamese listed enterprises. *Investment Management & Financial Innovations*, 20(1), 265.
- Daryaei, A. A., Fattahi, Y., Askarany, D., Askary, S., & Mollazamani, M. (2022). Accounting comparability, conservatism, executive compensation-performance, and information quality. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(11), 1-28.

- Demerjian, P., Lev, B., & McVay, S. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity tests. *Management science*, 58(7), 1229-1248.
- Haider, I., Singh, H., & Sultana, N. (2021). Managerial ability and accounting conservatism. *Journal of contemporary accounting & economics*, 17(1), 100242.
- Handoko, M. E. J., & Fuad, F. (2023). The Influence of Managerial Ability Towards Accounting Conservatism (A Study in Non-Cyclical Companies Listed on Idx). *Jurnal Akuntansi Dan Auditing*, 20(1), 1-18.
- Heydari Soltanabadi, H., Panahian, H., & Hemmati, H. (2020). Designing a Total Interpretive Structural Modeling (TISM) for the Effectiveness Mechanism of Stock Liquidity in the Tehran Stock Exchange Companies. *Iranian Journal of Finance*, 4(2), 40-66.
- Ishfaq, S., Alim, W., Ghaffar, A., Khan, S. N., Sohail, M., & Din, A. U. (2024). Nexus between accounting conservatism and board attributes: moderating role of institutional ownership. *Migration Letters*, 21(S9), 76-91.
- Khalil, M., Ozkanc, A., & Yildiz, Y. (2020). Foreign institutional ownership and demand for accounting conservatism: evidence from an emerging market. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 55, 1-27.
- Muslim, A. I., & Setiawan, D. (2024). View of institutional ownership and value relevance in Indonesia: the nexus of accounting conservatism. *Rajagiri Management Journal*, 18(3), 251-263.
- Neville, F., Byron, K., Post, C., & Ward, A. (2019). Board independence and corporate misconduct: A cross-national meta-analysis. *Journal of Management*, 45(6), 2538-2569.
- Nguyen, T. M. H., To, A. T., Phan, T. H., Ngo, N. P. D., & Ho, T. T. H. (2023). Ownership concentration and accounting conservatism: the moderating role of board independence. *Emerging Science Journal*, 7(1), 90-101.
- Nguyen, T. M. H., To, A. T., Phan, T. H., Ngo, N. P. D., & Ho, T. T. H. (2022). Ownership Concentration and Accounting Conservatism: The Moderating Role of Board Independence. *Emerging Science Journal*, 7(1), 90-101.
- Romadhon, F., & Kusuma, I. W. (2020). Does managerial ability enhance earnings quality? The moderating role of corporate governance quality and ownership concentration. *JEMA: Jurnal Ilmiah Bidang Akuntansi Dan Manajemen*, 17(2), 105-120.
- Septiari, D., & Sari, W. A. (2017). Influence of auditor independence and good corporate governance toward accounting conservatism in Indonesia. *Journal of Applied Managerial Accounting*, 1(1), 20-29.
- Sharma, M., & Kaur, R. (2021). Accounting conservatism and corporate governance: evidence from India. *Journal of Global Responsibility*, 12(4), 435-451.
- Sheng-li, Z. H. A. N. G. Institutional Ownership, Accounting Conservatism and Cost of Equity—— Empirical Evidence From China's Capital Market.
- Yunos, R., Smith, G., & Ismail, Z. (2012). The relationship between board skills and conservatism: Malaysian evidence. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 8(8), 1173-1184.
- Zadeh, F. N., Askarany, D., & Asl, S. A. (2022). Accounting conservatism and earnings quality. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(9), 413.